

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازمان وکالت و ضرورت آن در عصر ائمه

نگارنده:

سید مجتبی حسینی

چکیده

یکی از مباحث بسیار حساس و اساسی در شناخت و بررسی ابعاد گوناگون حیات ائمه و پیروان آنها، سازمان وکالت در عصر ایشان و معرفی وکلاء و باب‌های آنها می‌باشد که ائمه اطهار (ع) با توجه به ضرورت‌های پیش آمده اقدام به ایجاد چنین تشکیلاتی کردند تا بوسیله این سازمان بتوانند با شیعیان‌شان در دورترین نقاط عالم اسلام مرتبط باشند و شیعیان نیز با چنین ارتباطی بتوانند با اطمینان کامل نیازهای شرعی و دینی خود را مرتفع سازند.

سازمان وکالت از زمان امام صادق (ع) آغاز به کار نمود و رفته رفته دارای نظم و هماهنگی و گستردگی بیشتری شد تا اینکه در عصر امامین عسکریین و سپس عصر غیبت به اوج گسترش و انسجام رسید و غالب نقاط شیعه‌نشین آن زمان در عالم اسلام را زیر پوشش قرار داد. این سازمان علاوه بر جمع‌آوری و تحویل وجوهات شرعی، کارکردهایی از قبیل نقش علمی و دینی، نقش ارشادی در معرفی امام بعدی بعد از شهادت امام پیشین، تحویل نامه‌ها و دریافت پاسخ آنها و رفع اختلافات و منازعات شیعیان و امثال آنها را عهده‌دار بود.

در این تشکیلات امام معصوم رهبر سازمان و وکلای برجسته سر وکیل یا وکیل ارشد می‌باشند که وکلای ارشد نظارت بر عملکرد وکلای نواحی مختلف را عهده‌دار بودند. تعداد وکلاء و نحوه عملکرد آنها بستگی به موقعیت جغرافیایی و جمعیت شیعیان آن نواحی دارد.

امام معصوم (ع) نیز به عنوان رهبری سازمان عملکردهای دقیقی را ایفاء می‌نمود مانند نصب وکلا به مقام وکالت - تعیین جانشین برای وکلایی که از دنیا می‌رفتند - نظارت بر عملکرد وکلا و تعیین قلمرو فعالیت هریک، مؤاخذة وکلای خائن و فاسد، آگاه کردن وکلا و شیعیان از کذب دعاوی دروغین وکالت و بابت و عزل و لعن و طرد این مدعیان دروغین و تأمین مالی و دینی وکلاء.

ارتباط ائمه با وکلاء و شیعیان به صورت رو در رو و مستقیم و یا مکاتبه‌ای بود که البته اکثر اوقات برای رعایت اصل تقیه و پنهان‌کاری بوسیله مکاتبه صورت می‌گرفت و حجم زیاد توقیعات و نامه‌ها در منابع روایی اهمیت و ترجیح این روش را تبیین می‌کند البته

ایام حج بهترین موقعیت تماس اعضای این سازمان با یکدیگر و با امام، دور از چشم حکومت‌های ظالم بود.

در این تشکیلات برخی از وکلا نقش بابیت برای امام معصوم را داشتند این مسأله در عصر غیبت صغری وضوح بیشتری دارد بطوری که در این عصر چهار نفر به طور پیاپی وظیفه بابیت امام عصر (عج) را عهده‌دار بودند و تنها وسیله ارتباط با امام مهدی محسوب می‌شدند که البته در اعصار پیشین یعنی دوران حضور ائمه مسأله بابیت برای امام به این حد پرنگ نیست.

در عصر غیبت با توجه به عدم حضور امام و دنیاطلبی و شهوت‌رانی، برخی از وکلای ائمه که ابتدا مورد وثوق بودند به فساد کشیده شده وعده‌ای هم بخاطر جاه‌طلبی به دروغ مدعی وکالت یا بابیت برای ائمه شدند که طبعاً هر دو جریان مورد برخورد شدید ائمه و وکلاء ایشان قرار می‌گرفتند.

در مجموع تشکیل سازمان وکالت از سوی ائمه ثمراتی بزرگ برای شیعیان داشته و تأمین‌کننده اهداف عالی ائمه اطهار بوده، اگرچه در این میان خطراتی برای ائمه مخصوصاً وکلای ایشان پیش آمد.

بررسی عملکرد این سازمان از عصر امام صادق (ع) تا پایان غیبت صغری نقش عمده‌ای در شناخت صحیح سیره عملی معصومین بخصوص در تبیین کیفیت رهبری شیعه در عصر غیبت صغری دارد.

در این نوشتار سعی بر آن است که موارد یاد شده بصورت مختصر و منطقی مورد تحلیل و کاوش قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ائمه، سازمان وکالت، باب، سفارت، وکلاء

مقدمه

ضرورت، پیشینه، هدف و روش پژوهش؛

ضرورت انجام این پژوهش به این است که شناخت دقیق‌تر سیره عملی معصومین در رهبری شیعه و انجام وظایف الهی ایشان بسیار حائز اهمیت است و انجام پژوهشی هرچند کوتاه درباره وکلا و ابواب ائمه و تبیین سازمان وکالت در عرصه مهدویت مفید می‌نماید باید اذعان کنم که پیشینه و ادبیات این مبحث را می‌توان از کتابهایی همچون «تاریخ الغیبة الصغری» از شهید سیدمحمد صدر و «مکتب در فرایند تکامل» از دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی، و «حیاء الامام العسکری» از شیخ محمد جواد طبسی و «سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه» از دکتر محمدرضا جباری، مطالعه نمود.

که البته در این عنوان و موضوع، پژوهشی به شکل مقاله بسیار کم ارائه گردیده است و همین امر باعث تدوین مقاله موجود گردید. و البته در نظم منطقی واقتباس از کتاب «سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه» نوشته، دکتر محمدرضا جباری بسیار استفاده گردید.

هدف از انجام این پژوهش، تبیین و تفسیر دقیق‌تر سیره عملی معصومان از عصر امام صادق (ع) تا پایان عصر غیبت صغری است.

این پژوهش در مقام بیان ضرورت تشکیل سازمان وکالت است که باعث ارتباط امامان اهل بیت (ع) با شیعیان در اقصی نقاط عالم اسلامی گردید و اهداف عالی و الهی ائمه توسط این سازمان واقع شده و همچنین در مقام رد برخی از نگرشهای باطل نسبت به معصومین است که سعی دارند آنان را افرادی منززل و منزوی و برخوردارهای ایشان را منفعلانه معرفی کنند.

نتایج این پژوهش می‌تواند نادرستی این دیدگاه را نشان دهد.

روش انجام این پژوهش با توجه به تاریخی بودن ماهیت موضوع، روش تاریخی همراه با تحلیل محتوی، و از نوع تحقیق بنیادی است.

بررسی واژگان

۱. وکالت، وکیل، وکلا؛

واژه وکالت (به فتح و کسر واو) مصدر فعل وَكَلَّ يَكِلُّ است. در ریشه لغوی این واژه به نوعی، معنای عجز از انجام مستقیم کار نهفته است؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود: رَجُلٌ عَاجِزٌ يَكِلُّ عَلَيْهِ؛ یعنی کسی که به سبب عجز از انجام کار، آن را به دیگری می‌سپارد و یا وقتی گفته می‌شود: فَرَسٌ وَكَلٌ؛ یعنی اسبی که در دویدن نیازمند تازیانه است و گندروی دارد. واژه «وکیل» بر وزن فعیل و به معنی مفعول است، یعنی موکول الیه الأمر؛ و برای جمع و مؤنث نیز استعمال شده است: هُمُ وَكِلٌ عَنِ فُلَانٍ، و هی وکیل؛ و جمع آن «وکلا» است. با توجه به معانی لغوی وکالت، اگر در اصطلاح، وکالت را به: «تعیین کسی برای انجام کاری از جانب دیگری به موجب یک عقد و قرارداد» تعریف کرده‌اند، متناسب با ریشه لغوی این واژه است چرا که موکل خود از انجام کار، مطلقاً و یا به صورت مستقیم، عاجز است، از این رو اقدام به تعیین وکیل می‌کند تا کار را از جانب او انجام دهد!

در منابع فقهی، وکالت چنین تعریف شده است: «الوکالَةُ هی تفویض أمر الی الغیر لیعمل له حال حیاته، أو ارجاع تمشیة أمر من الأمور الیه له حالها...»^۱ وکالت عبارت است از واگذاری کاری یا ارجاع سامان‌دهی و پیش‌برد امری از امور به غیر، تا در زمان حیات موکل انجام دهد».

در پژوهش حاضر، در میان واژه‌هایی که برای کارگزاران ائمه (ع) به کار می‌رود بیشترین کاربرد متعلق به واژه وکالت و مشتقات آن، هم‌چون وکیل و وکلا است. با توجه به آنچه در تحلیل معنا و ریشه لغوی وکالت گذشت، اقدام امامان شیعه (ع) در تعیین کسانی به عنوان وکیل و نماینده آنان، به جهت نیازی بوده که آن حضرات به این امر احساس کرده‌اند، چرا که ارتباط مستقیم امامان (ع) با شیعیان، هم به لحاظ جهات امنیتی و هم به جهت بُعد مسافت بین مراکز شیعه‌نشین و مرکز استقرار امام (ع) امکان‌پذیر نبود.

^۱ تاج العروس، ج ۸، ص ۱۵۹؛ قاموس المحيط، ص ۷۷؛ المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۱۰۵۵؛ معجم مقائیس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۶؛ صحاح، ج ۵، ۱۸۴۴ و لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۰۵۳۹

^۲ جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۴۷؛ وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۱۰۳ و تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹

۲. سفارت، سفیر، سفرا؛

سفارت در لغت، از ریشه سَفَر به معنی کنس (جارو کردن) است؛ لذا سَفَارَةٌ یعنی گناسته: و سِفَارَةٌ به معنی اصلاح بین دو گروه آمده است؛ و سفیر، یعنی شخص اصلاح‌گر؛ چرا که سفیر، موجب زدودن کدورت‌ها از قلب طرفین می‌شود (متناسب با فعل کَنَس، یا جارو کردن). به رسول و فرستاده نیز «سفیر» گویند، چرا که فرستاده از جانب کسی برای انجام کاری، آنچه را بدان مأمور شده، آشکار می‌نماید. جمع واژه سفیر، سفراء آمده است. در متون تاریخی و روایی، واژه سفارت، سفیر و سفرا معمولاً در مورد نَوَّاب اربعه و برخی وکلای سرشناس عصر غیبت صغری استعمال شده است. لذا واژه سفیر و سفرا یا منصوب برای سفارت، منصرف به نَوَّاب اربعه و برخی وکلای سرشناس در حال غیبت صغرا بوده است برای نمونه شیخ طوسی در فصل مربوط به وکلاء در کتاب غیبت چنین آورده؛ فامَّا السفراء الممدوحین فی زمان الغیبه فاؤلهم من نصبه ابوالحسن علی بن محمد العسکری و ابومحمد الحسن بن علی بن محمد (ص) و هو الشیخ الموثوق به ابوعمر و عثمان بن سعید العمری (رحمة الله علیه)^۲

۳. بابیت، باب، ابواب؛

«باب» در لغت به معنی «مدخل البیت» و محل عبور به داخل خانه یا یک مکان است و به مناسبت، بر آنچه که به وسیله آن، این مَدْخَل بسته می‌شود نیز اطلاق شده است. جمع آن «ابواب» است. واژه باب و ابواب نیز از واژه‌هایی است که درباره گروهی از وکلای خاص ائمه (ع) به کار رفته است.

واژه‌ی باب را برخی از دانشمندان شیعه و غیر شیعه و برخی فرق وابسته به شیعه مانند نصیری به گروهی از وکلای خاص و برجسته ائمه (ع) در پیش از غیبت صغری اطلاق کرده‌اند و در عصر غیبت صغری بر نَوَّاب اربعه و برخی دیگر از وکلایی که مرتبه‌ای والا داشتند و واسطه صدور توقیعات بودند اطلاق می‌شده است.

^۱ تاج العروس، ج ۳، ص ۲۷۰؛ قاموس المحيط، ص ۵۲۳؛ معجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۳۲، صحاح فی اللغه و العلوم، ج ۱، ص ۵۹۰ و لغت‌نامه دهخدا، ج ۸ واژه سفارت و سفیر.

^۲ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۴.

^۳ تاج العروس، ج ۱، ص ۱۵۳؛ معجم الوسیط، ج ۱، ص ۷۵ و لغت‌نامه دهخدا، واژه باب و بابیت.

۱- علل و زمینه‌های تشکیل و گسترش سازمان وکالت

این مقوله زمانی بهتر تبیین می‌شود که مجموع شرایط حاکم بر عصر امام صادق (ع) تا پایان عصر غیبت صغری مورد توجه قرار گیرد این شرایط عبارتند از:

۱-۱. دوری مسافت بین مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار امامان شیعه (ع) قرآینی از گسترش نسبی شیعه در عصر امام صادق (ع) و تعداد مناطق شیعه‌نشین در عالم اسلام آن روزگار حکایت دارد^۱ که این گسترش نتیجه تلاشهای طاقت فرسای معصومین (ع) در حفظ تشیع و دفع خطرات از دامان آن بود. در این عصر با توجه به نصوص تاریخی و روایی می‌توان به طور قطع مدعی وجود شیعیان در مناطق مدینه و عراق (به خصوص کوفه و بغداد) و ایران (به خصوص قم و مناطق جبال و خراسان) و یمن و مصر و سایر مناطق شد.^۲ تعداد ۴۰۰۰ شاگرد که در ازمنه مختلف از محضر امام صادق (ع) بهره می‌بردند می‌تواند تأییدی بر نظریه گسترش نسبی شیعه در این عصر باشد که در عصر امام کاظم (ع) علی‌رغم سختگیریهای بنی‌عباس این سیر گسترش عالم تشیع ادامه یافت. تعداد وکلای حضرت امام کاظم (ع) و کثرت اموال و وجوهاتی که توسط آنها جمع‌آوری می‌شد از بهترین شواهد گسترش شیعه در این عصر است.

با توجه به بعد مسافت بین مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار ائمه (ع) و عدم امکان سفر برای همه شیعیان جهت ملاقات با امام معصوم (ع) تعیین و نصب نماینده از سوی ائمه اطهار ضرورت داشته که به مرور با نزدیکتر شدن به دوره‌های بعد، فرستادن وکلا به نقاط دور دست در نصوص تاریخی و روایی شکل روشن‌تری به خود می‌گیرد.^۳

۱-۲. جوّ خفقان و دشواری ارتباط مستقیم امامان (ع) و شیعیان

شرایط خاص سیاسی و فشارهای وارده از سوی حاکمیت عباسی به ائمه و شیعیان و کنترل‌های شدید، ارتباط مستقیم و مشافهی ائمه (ع) با شیعیان را غیرممکن و خطرآفرین کرده بود که این سازمان قالب خوبی برای تقلیل ارتباط مستقیم به حساب می‌آمد که در حقیقت وکلا رابطه بین ائمه و شیعیان بودند.

^۱ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۲۲۵

^۲ کافی، ج ۱، ص ۴۷۵ و مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۲۲۰

^۳ رجال کشی، ص ۴۵۹، ۴۶۶، ۴۶۷، ۵۷۹، ۵۹۸ و شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۰ و رجال نجاشی، ص ۲۲۹.

برای رسیدن به حقیقت مطلب و جو خفقان می توان به روایات زیادی اشاره کرد. نظیر آن فرد شیعی که برای ملاقات با امام صادق (ع) مجبور به فروش تصنیعی خیار می شود.^۲

۳-۱. عدم دسترسی شیعیان به ائمه (ع) به سبب حبس، شهادت و غیبت از دیگر اسباب روی آوری امامان شیعه به تأسیس، گسترش و تقویت وکالت است. پدید آمدن شرایط سخت در برهه‌هایی از زمان بود، سلطه حکومت‌های جائر عباسی و فشارهایی که علیه ائمه (ع) وجود داشت گاه به حبس ایشان و گاه به شهادت آنان و در نهایت به غیبت خلف صالح آنان انجامید.

در این مقطع زمانی حساس، وکلاء و سازمان وکالت بهترین پناهگاه و مرجع و ملجاء برای شیعیان بودند که برای رفع مشکلات دینی، کلامی، فقهی و سایر امور مرتبط با امامان به نزد آنان مراجعه می کردند.

۴-۱. آماده‌سازی شیعیان نسبت به شرایط عصر غیبت در صورت فقدان آمادگی و زمینه‌های لازم، غیبت ناگهانی امام معصوم برای شیعیان که دو و نیم قرن از نعمت حضور امامان معصوم بهره‌مند بودند، می توانست واقعه‌ای غیر منتظره و مشکل آفرین باشد.^۳ از اینرو امامان شیعه با ایجاد شرایط مشابه، شیعه را به تدریج با شرایط عصر غیبت آشنا می ساختند. از مشخصات بارز عصر غیبت آن بود که شیعیان تنها از طریق باب حضرت حجت (عج) امکان ارتباط با آن حضرت را داشتند و همین طور برای طرح مشکلات خود بایستی آنها را به صورت مکتوب به وکلاء و ابواب حضرت تحویل می دادند سپس پاسخ آن را در قالب توقیعات دریافت می کردند. این رویه در عصر امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) که شیعیان در آستانه ورود به عصر غیبت قرار داشتند تشدید شد. برای نمونه می توان به جریان تظلم سیف بن لیث اشاره کرد که با وجود آن که امام در سامرا بود مطلب را کتباً به امام عسکری رساند.^۴

^۱ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۱۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۷۵ و حدیث ۶// و رجال نجاشی، ص ۲۲۹

^۲ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۴۲

^۳ تاریخ الغیبة الصغراء، محمدصدر، ص ۲۱۱-۲۱۴

^۴ کافی، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۱۸

۲- محدود زمامی و سیر فعالیت سازمان وکالت

وکالت به مفهوم «نمایندگی عمومی ائمه (ع) برای انجام یک سلسله وظایف خاص در میان شیعیان» در واقع از عصر امام صادق (ع) به بعد به وجود آمد.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا سابقه چنین تشکیلاتی را در عصر امام باقر (ع) و دوره قبل از ایشان نمی‌یابیم؟ و از سوی دیگر چرا معتقدیم که این تشکیلات از عصر امام صادق (ع) نه عصر امام کاظم (ع) شروع به فعالیت نموده است؟

برای پاسخ به سؤال اول باید به دو نکته توجه کرد:

نکته اول آنکه، تعداد شیعیان و میزان گسترش آنها در مناطق مختلف آن قدر نبوده است که نیاز به اعزام نماینده و وکیل از جانب امام باقر (ع) و امامان پیش از ایشان باشد. مؤید این مطلب روایت منقول از امام صادق (ع) است که فرمود "مرتد شدند مردم بعد از شهادت امام حسین اَلّا سه نفر" همچنین سختی شرایط سیاسی و اجتماعی در عصر امام باقر (ع) به ویژه دوران هشام بن عبدالملک مانع فعالیت‌های آن حضرت برای گسترش تشیع بوده.^۱

دوم آنکه، شرایط حاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نیز اجازه تشکیل چنین سازمانی را نمی‌داد. از اهداف عمده تشکیل این سازمان جمع‌آوری وجوهات شرعی بوده که شیعیان در نهایت تنگدستی به سر می‌بردند، چنانکه بخشودگی خمس تا زمان امام صادق (ع) را به ضعف بنیه مالی شیعیان تعلیل نموده‌اند. علاوه بر این، شرایط سیاسی نیز مساعد نبوده. از عصر امام صادق با روی کار آمدن بنی عباس و درگیری‌های آنان با بنی امیه زمینه برای گسترش تشیع فراهم شد. همچنین شرایط سیاسی هم در اواخر خلافت بنی امیه و اوایل دوره بنی العباس برای پایه‌ریزی چنین تشکیلاتی مساعد بود از اینرو ادعای تأسیس سازمان وکالت توسط امام صادق (ع) ادعای گزافی نخواهد بود. کما اینکه شواهد روایی زیادی بر آن گواه است.^۲

^۱ «ارتد الناس بعد قتل الحسين (ع) اَلّا ثلاثة؛ ابوخلد الکابلی و یحیی بن ام الطویل و جبیر بن مطعم، ثم إن الناس لحقوا و کثروا» رجال کشی، ص ۱۲۳، حدیث ۱۹۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۰

^۳ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۱، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۵۵ و ص ۲۲۰، کافی، ج ۱، ص ۴۷۵ و ح ۶ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۷۷

اگرچه فعالیت و گسترش آن در این عصر هم‌چون عصر امام کاظم (ع) نبوده است. که البته عصر امام کاظم این سازمان با مشکلاتی هم‌چون دستگیری و شکنجه حضرت و برخی از وکلا مواجه شد.^۱ ولی نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان با تشدید فعالیتها گسترش می‌یافت.

پس از شهادت امام کاظم (ع) برخی از وکلاء با طرح مذهب وقف و تصاحب اموال زیادی که از ناحیه وکالت در دستشان بود ضربه بزرگی را به پیکره سازمان وارد آوردند.^۲ امام رضا (ع) با رفع این مشکل و حل آن، سازمان را گسترش داد و وظایفی جدید برای آن تعریف نمود و نیازهایشان را مرتفع کرد. وکلای آن حضرت در قم^۳، کوفه^۴، بغداد^۵ و سایر نقاط به فعالیت مشغول بودند و نقش عبدالرحمن بن حجاج یکی از وکلای سرشناس حضرت در حفظ سازمان از انشعاب جدید بسیار مهم بود.^۶

علاوه بر اینکه تکیه بر اصل تقیه و شرکت برخی از شیعیان در مناصب دولتی و ارتش عباسی به حفظ و استمرار فعالیت این سازمان کمک کرد.^۷

با آغاز امامت امام جواد، به لحاظ کمی سن آن حضرت تردیدهایی بین شیعیان درباره امامت ایشان پدید آمد که وکلای مبرز امام رضا (ع) در تثبیت امر امامت حضرت جواد (ع) نقش مهمی داشتند. از میان آنها می‌توان به عبدالرحمن بن حجاج، صفوان بن یحیی و یونس بن عبدالرحمن اشاره کرد.^۸

در دوران طولانی امامت حضرت هادی با انتقال آن حضرت از مدینه به سامرا و ناممکن شدن تماس مستقیم بین امام و پیروانش، نقش مذهبی و سیاسی وکالت رو به افزایش نهاد و مسئولیت بیشتری متوجه آنها شد تا جایی که به تدریج این سازمان تنها مرجعی شد که می‌توانست حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند برای نمونه بعد از شهادت حضرت

^۱ رجال نجاشی، ص ۲۹۹، رجال کشی، ص ۲۵۸، ح ۴۷۷، فرق الشیعه، ص ۸۴ - ۸۵ و عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۸۸ - ۹۱

^۲ رجال کشی، ص ۴۵۹، ح ۸۷۱

^۳ رجال کشی، ص ۴۸۳، ح ۹۱۰ و ص ۵۰۶ ح ۹۷۴ و ۹۷۵

^۴ رجال نجاشی، ص ۱۳۹

^۵ اثبات الوصیه، ص ۲۱۳.

^۶ همان

^۷ استبصار، ج ۲، ص ۵۸-۶۱ و کافی، ج ۵، ص ۱۱۱

^۸ اثبات الوصیه، ص ۲۱۳.

جواد (ع) رهبران برجسته سازمان وکالت جلسه‌ای سرّی در منزل وکیل ارشد آن حضرت، «محمد بن فرج»^۱ ترتیب دادند تا امام جدید را که مشخص شد امام هادی (ع) است معرفی کنند.^۲

وکلاهای امام هادی به تدریج تجربیات ارزنده‌ای را در سازماندهی پیروانشان در واحدهای جداگانه به دست آوردند. اخبار تاریخی متعدد، گویای آن است که وکلا، شیعیان را بر مبنای نواحی گوناگون به چهار گروه تقسیم کردند: ناحیه نخست؛ بغداد و مدائن و سواد کوفه.

ناحیه دوم؛ بصره و اهواز.

ناحیه سوم؛ قم و همدان.

و ناحیه چهارم؛ حجاز، یمن و مصر را شامل می‌شد. هر ناحیه به یک وکیل مستقل واگذار می‌شد و کارگزاران محلی تحت نظر او منصوب می‌شدند.^۳

برخی از دستورات عمل‌های امام هادی به وکلا، حاکی از وجود سامان‌مندی و نظمی خوب در سازمان وکالت در این دوره است و همین امر موجب حفظ آن از آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر، پس از حملات وحشیانه متوکل به شیعیان گردید.

در دوران دو امام هادی و امام عسکری فعالیت سازمان وکالت گسترش یافته و تقویت شد. اهتمام این دو امام بزرگوار بر عادت دادن شیعه به مراجعه به واسطه یا باب ایشان یعنی عثمان بن سعید عمری قرار داشت، وی مهمترین وکیل این عصر و سپس اوایل عصر غیبت صغری بود.^۴

با شهادت امام عسکری (ع) عثمان بن سعید، رهبری سازمان وکالت را به عنوان نخستین نماینده امام دوازدهم (عج) به عهده گرفت. در دوران نیابت وی و به خصوص فرزندش محمد، سازمان وکالت به بیشترین میزان گسترش خود در طول حیاتش تا آن زمان دست یافت.

^۱ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۸۹

^۲ کافی، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲

^۳ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۱۳۷

^۴ کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۱۴

این عصر با کمک‌های امام عصر و استفاده از ابزار تقیه سازمان وکالت با قوت تمام، فعالیتش را ادامه داد و حتی خیانت برخی از وکلا یا مدعیان دروغین بابت لطمه‌ای بر آن وارد نداشت. با به پایان رسیدن دوران نیابت چهارمین نایب در عصر غیبت در حقیقت دوره فعالیت سازمان وکالت به اتمام رسید و دوره جدیدی به نام دوره سازمان فقاقت به وجود آمد.

۳- چگونگی عملکرد سازمان وکالت:

سازمان وکالت بطور سامان‌یافته و نظام‌مندی هدف اصلی خویش را دنبال می‌کرد که ساختار آن را می‌توان به مثابه هرمی تصور کرد که بالاترین بخش آن را رهبری سازمان یعنی ائمه معصومین تشکیل می‌دادند و به ترتیب به سمت قاعده هرم ابتدا وکلای ارشد و باب‌های ائمه معصومین و سپس وکلای جزء بودند که در نواحی مختلف قرار داشتند. علاوه بر وکلای مقیم در نواحی گاهی وکلای بسیاری نیز به صورت سیار فعال بوده و وظیفه ایجاد ارتباط را ایفاء می‌کردند که یکی از مهمترین وظایف وکلای سیار تحویل وجوه شرعی جمع شده نزد وکلا به پیشگاه امامان بود.

البته بر تشکیلات همواره اصل تقیه و پنهان‌کاری حاکم بود.

وکلای بکار گرفته شده می‌بایست طبق دستورالعمل مشخص که از بالا بر ایشان معین می‌شد وظایف محوله را انجام می‌دادند که در صورت تخطی مورد مؤاخذه واقع می‌شدند. این وکلاء برای امرار معاش گاه متگی بر درآمد شخصی بودند و در موارد بسیاری نوعی مقرری و حقوق و گاه وکالت در مصرف وجوه شرعی به آنان اعطا می‌شد.

یکی از مهمترین وظایف سازمان وکالت جمع‌آوری و تحویل وجوه شرعی، هدایا و نذورات بود. که نزد وکلاء صورت می‌گرفت و وکلاء یا خود یا توسط وکلای سیار وجوه را به ائمه می‌رساندند.

وکلاء در قبال اخذ وجوهات شرعی، قبض و رسیدی نیز صادر می‌کردند که البته در برهه‌ای خاص این امر به لحاظ جهات امنیتی انجام نمی‌شد. اموال نیز پس از تحویل به امام (ع) یا باب او در موارد خاصی مصرف می‌شد. اینک چگونگی ساختار سازمان وکالت و شیوه عملکرد آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. امامان شیعه رهبری سازمان وکالت

چنان که آمد رهبری اصلی سازمان وکالت با امامان شیعه بود که از امام صادق (ع) شروع و به امام عصر ختم می‌شود. حضرات معصومین (ع) در ایفای نقش رهبری وظایف مهمی از قبیل تعیین و نصب وکلا و باب‌ها، تبیین شخصیت وکلا برای شیعیان، مقابله با جریان‌های انحرافی مرتبط با سازمان وکالت، تبیین وظایف و نظارت بر عملکرد وکلا و باب‌ها، تأمین مالی وکلا و باب‌ها و تأمین امنیت سازمان وکالت را برعهده داشتند.

۳-۲. وکلا و باب‌ها، کارگزاران سازمان وکالت

اگرچه ائمه (ع) با ایفای نقش رهبری در سازمان وکالت تأثیر به سزا در جریان امور آن داشتند ولی تحقق منویات ایشان مترتب بر شیوه عملکرد دستیاران آنها یعنی باب‌ها و وکلا بود. بخشی از اعضای سازمان وکالت را باب‌ها و سفرای ائمه تشکیل می‌دادند. اینان وکلای ممتاز برجسته بودند که در حقیقت معاونان ائمه در هدایت و رهبری فعالیت‌های سازمان وکالت محسوب می‌شدند.

از اینان می‌توان به «وکلاي ارشد» و یا «سروکیل» نیز تعبیر نمود که سایر وکلا زیر نظر و اشراف آنها به کار مشغول بودند بنابراین می‌توان در یک تقسیم‌بندی وکلا را به وکلای ارشد و وکلای جزء تقسیم کرد.

۳-۳. بهره‌گیری از اصل نهان‌کاری و تقیه

شرایط سخت سیاسی حاکم بر عصر حیات سازمان وکالت راهی جز روی آوری رهبری و اعضای این سازمان به فعالیت‌های مخفی و زیرزمینی در پیش‌روی آنان قرار نمی‌داد؛ به نحوی که به نظر می‌رسد عنوان «سازمان مخفی و زیرزمینی وکالت» و به عبارتی «التنظیح السری» که برخی از محققان آن را پیشنهاد داده‌اند،^۱ برای تشکیلات است. روی آوری به نهان‌کاری و اصل تقیه، توانست شرایطی را برای رهبری و اعضای این سازمان فراهم کند که در اوج دوران خفقان عباسی، تشکیلات وسیع وکالت را با نظم و سازماندهی به پیش برند، بدون اینکه دستگاه عباسی موفق به کوچکترین نفوذی در سازمان شود.

امامان شیعه و اعضای سازمان برای بهره‌گیری از اصل نهان‌کاری و تقیه شیوه‌های گوناگون را با توجه به شرایط و موقعیت اعمال می‌کردند که عبارتند از: سوق دادن

^۱ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۴ و ۱۵۶.

فعالیت‌های سازمان به سمت متمرکز شدن در افرادی محدود هم‌چون وکلای ارشد و یا باب‌ها، عدم تماس مستقیم رهبری با اعضای سازمان، استفاده از ابزار ارتباطی مطمئن هم‌چون حج، منع موقت وکلاء از هرگونه فعالیت مرتبط با کار سازمان تا زمان رفع خطر، بهره‌گیری از افراد ناشناس و غیر مرتبط با سازمان برای ایجاد ارتباط با مرکز در حالیکه خود فرستاده و پیک نیز از ماهیت مأموریتش با اطلاع نبود و موارد دیگر. همه این اسلوب‌ها دارای نمونه‌ها و شواهد در تاریخ حیات سازمان وکالت است.

۳-۴. بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی مناسب

در سازمان وسیع و گسترده وکالت ارتباطات گوناگونی بین طرفین ارتباط یعنی ائمه، باب‌ها، سروکیل‌ها و وکلای نواحی و شیعیان با توجه به شرایط و موقعیت‌های خاص صورت می‌گرفت که عبارتند از: ارتباط حضوری و مشافهه‌ای، ارتباط مکاتبه‌ای، ارتباط با پیک و قاصد و ارتباط با روشهای خارق عادت.

۳-۵. بهره‌گیری از خوارق عادت در صورت لزوم

یکی از شیوه‌های عملکرد سازمان وکالت بهره‌گیری از معجزات و خوارق عادت بود. مجموعه‌ای از خارق عادت و معجزاتی که مستقیماً به دست خود ائمه و یا به دست باب‌ها و سفرای آنان ظاهر می‌شد که البته خوارق عادت و معجزات به لحاظ اهدافی چون اثبات حقانیت امام (ع) به عنوان رهبر، و یا حقانیت سفیر و باب امام (ع) در عصر غیبت به عنوان مهمترین دستیار رهبر بوده است.

۴-وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت

مهمترین نقش سازمان وکالت «نقش مالی» آن است تا جایی که حتی برخی از محققین این نقش را تنها مسئولیت سازمان وکالت معرفی می‌کنند ولی در اینجا سه نکته را نباید دور از نظر داشت: نخست از آنجایی که وکلاء نمایندگی ائمه اطهار را داشتند طبیعی است که این مقام والا دارای ابعاد مختلفی است و به همان اندازه که وظایف امام بسیار گسترده و متنوع است وظایف نماینده او نیز گسترش و تنوع می‌یابد از این رو در صورت وجود شرایط مناسب نمایندگان امامان ایفاگر نقشهای متعددی در حوزه مسئولیت نمایندگی امام (ع) بودند.

نکته دوم آنکه نباید همه وکلای ائمه (ع) را یکسان تلقی کرد. برخی از کسانی که سمت وکالت را احراز می‌کردند جزو اصحاب برجسته و ممتاز چندین امام معصوم (ع)، و دارای مقامات علمی و دینی بالا بوده و گاه مقام بابیت امام را نیز دارا بوده‌اند، طبیعی است اینگونه وکلاء علاوه بر نقش مالی، دارای نقش دینی، ارشادی، علمی و... نیز بوده‌اند. و آخرین نکته آنکه بایستی دوره عصر غیبت صغری و وظایف نواب اربعه را متمایز از دوره‌های پیشین لحاظ نمائیم. در عصر غیبت صغرا مسئولیت نواب اربعه به سبب غیبت امام به مراتب فراتر از مسئولیت یک وکیل در یک ناحیه محدود و دور افتاده در اعصار پیشین بوده است.

با توجه به نکات یاد شده، می‌توان مجموعه وظایف، شئون و مسئولیت‌های سازمان وکالت در طول دو قرن فعالیتش را در هفت مقوله نام برد:

۴-۱. نقش مالی؛

که شامل دریافت و تحویل وجوه شرعی و هدایا، رسیدگی به امور موقوفات و توزیع و مصرف وجوه شرعی و اموال اهدایی می‌شد.

۴-۲. نقش ارتباطی؛

یکی دیگر از مهمترین نقش‌ها و وظایف سازمان وکالت ایجاد ارتباط بین امام معصوم (ع) و شیعیان آنان بود که بوسیله مکاتبات و نامه‌هایی که حاوی سوالات و مشکلات می‌بود از شیعیان اخذ و شخصاً یا بوسیله پیک‌های سیار به دست امام (ع) می‌رساندند و متقابلاً پاسخ آنها را به شیعیان تحویل می‌دادند این نقش در دوره غیبت صغرا بیشتر رخ می‌نماید.

۴-۳. نقش علمی و ارشادی

تردیدی نیست که یکی از اهداف سازمان وکالت تعلیم معارف اهل بیت (ع) به شیعیان و ارشاد آنان به حق در عصر حیرت و بروز تردیدها و شبهات بوده است.

۴-۴. نقش سیاسی

این تشکیلات اگرچه در ظاهر نهادی مالی و ارتباطی بوده است ولی در همین قالب بهترین خدمات سیاسی و مبارزاتی بر ضد حاکمیت عباسی را انجام داده است.

از همین رهگذر می‌توان نحوه نگرش جدیدی نسبت به حیات سیاسی امامان شیعه (ع) پیدا کرد.

۵-۴. نقش حفاظتی برای امامان (ع) شیعه و سازمان وکالت:

در عصر حضور ائمه (ع) تأکید بر آن بود که ارجاعات مالی و دینی شیعیان از طریق وکلا صورت پذیرد تا حساسیت جاسوسان حکومتی برانگیخته نشود.

در عصر غیبت صفرا وکلای ناحیه مقدسه، شیعیان را از سویی از وجود حضرت مهدی (عج) و حیات و امامتش آگاه می‌ساختند و از سوی دیگر به خطر افشای این عقیده و حتی تکلم به نام آن بزرگواران هشدار می‌دادند این در زمانی بود که دولت عباسی گمان می‌کرد امام عسکری (ع) بدون فرزند از دنیا رفته و خاطر خود را از این بابت آسوده کرده بود. اقدامات امنیتی صفرا و سایر وکلاء سبب شد که شیعیان ضمن داشتن ارتباط با ناحیه مقدسه از محدوده نظر جاسوسان حکومتی نیز به دور بمانند.

چنانکه توانستند ضمن ایجاد و حفظ اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) در شیعیان کوچکترین نشانه‌ای نیز از مکان اختفای امام بروز ندهند!

۴-۶. نقش تمهیدی برای ورود شیعه به عصر غیبت:

این مسئولیت سازمان وکالت به خصوص در عصر امامین عسکریین نمود داشت تا شیعیان آمادگی برای ورود به عصر غیبت داشته باشند

۴-۷. نقش اجتماعی و خدماتی نسبت به امامان (ع) و شیعیان

وکلای ائمه (ع) علاوه بر فعالیت‌های اصلی یاد شده در مشکلات و سختی‌های شیعیان، همراه و همدل با آنان حرکت می‌کردند، و در حد توان و امکان در رفع حوایجشان کوشا بودند.

۴-۸. نقش مبارزاتی بر ضدّ منحرفان و مدعیان دروغین بابیت

برخی از منحرفان فکری، اعتقادی و اخلاقی، گاهی با سابقه وکالت برای ائمه (ع) یا بدون آن، راه خیانت و انحراف در پیش گرفتند. آنان گاه به دعوی دروغین بابیت امام معصوم نیز بسنده نکرده و مدّعی نبوت و یا حلول الوهیت در خود می‌شدند! یکی از نقشهای مهم وکلا، صفرا و باب‌های ائمه (ع) مقابله با چنین جریانات و دعاوی باطل بود. و در همین راستا، مقابله با فسادها و خیانت‌های مالی وکلای فاسد و خائن نیز از دیگر مسئولیت‌های کارگزاران سازمان وکالت بود. مقابله با جریانات انحرافی یاد شده، در درجه اول، وظیفه امامان معصوم (ع) بود که به شکل مناسب و در فرصت‌های مقتضی آن را به انجام

می‌رساندند؛ ولی روند این مقابله به وسیله بازوان اجرایی ائمه (ع)، یعنی وکلا، به اتمام می‌رسید.

آگاهی دادن به شیعیان و ارسال پیام‌ها و توقیعات ائمه (ع) درباره منحرفان به اقصی نقاط شیعه‌نشین و حتی برخورد‌های فیزیکی در صورت لزوم، به وسیله کارگزاران سازمان وکالت صورت می‌پذیرفت.

۵- ویژگی‌های کارگزاران سازمان وکالت

از آنجا که دستیاران ائمه معصومین (ع) در تشکیلات وکالت، برخی باب ائمه (ع) و برخی دیگر وکلای معمولی آنان بودند، لذا ناچاریم این مبحث را در دو قسمت پی بگیریم.

۵-۱. ویژگی باب‌های معصومین (ع)

یکی از مهمترین خصائص و ویژگی باب معصومین قدرت اخذ و حفظ اسرار آن حضرات است؛ زیرا آنها در حکم مدخل و محل ورود به ساحت علوم و اسرار مقامات معصومین هستند. دیگر ویژگی بارز آنها داشتن مرتبه‌ای رفیع در ابعاد معرفتی و معنوی است تا روح آنها چنان اوج بگیرد که تحمل اسرار و علوم اهل بیت را داشته باشند و از تربیت‌های لازم معنوی بهره‌مند گردند. از جمله ویژگی اصلی ایشان کتوم بودن و نهان‌کاری و تمسک به اصل مهم تقیه است مگر در موارد خاص. و در نهایت می‌توان اشاره کرد به خرق عادت توسط باب ائمه برای اثبات حقانیتشان خصوصاً در باب‌های ناحیه مقدسه در عصر غیبت صغرا.

۵-۲. ویژگی وکلا

مهمترین ویژگی لازم در وکلای ائمه هدی (ع) وجود ملکه تقوی و عدالت و وثاقت در آنان است و این امر بسیار بدیهی و روشن است و از طرفی شرایط خاص و حادثه‌عباسی ایجاب می‌کرد تشکیلات وکالت از وکلایی بهره‌مند گردد که به صورت مخفی و زیرزمینی و با تمسک به اصل تقیه فعالیت نمایند. و از آنجایی که همواره محل رجوع شیعیان در مشکلات دینی بودند می‌بایست در معارف دینی شناخت و معرفت نسبی می‌داشتند و به این جهت که شیعیان از طرف ائمه موظف به اطاعت و فرمان‌بری از وکلای ائمه می‌شدند در این میان اطاعت وکلا از ائمه (ع) امری کاملاً ضروری بود و اصلاً بدون آن، امور تشکیلات

وکالت پیش نمی‌رفت. از دیگر صفات پسندیده که لازمه مسئولیت عظیم و مهم وکالت بود ، نظم و انضباط در امور و دقت در کاردانی و داشتن ملکه احتیاط است.

فهرست منابع

۱. اثبات الوصیه؛ ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ق)؛ نجف [ابی تا]؛ بصیرتی
۲. استبصار؛ ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی، م ۶۲۶ق)؛ تصحیح سیدحسن موسوی خراسانی نجف: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ق.
۳. الخرائج و الجرائح، ابوالحسن سعید بن هبة الله (قطب الدین راوندی)؛ تحقیق موسسه الامام المهدي (عج) قم: موسسه الامام المهدي (عج) ۱۴۰۹ق.
۴. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ اسماعیل بن حماد جوهری؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۵. القاموس المحيط؛ مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (م ۸۱۷ق)؛ چ دوم؛ بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۷ق.
۶. المعجم الوسیط؛ دکتر انیس و...؛ چ سوم؛ [ابی جا] دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۷. بحار الانوار؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (م ۱۱۱۰ق)؛ تهران [ابی تا] ۱۳۷۶ق به بعد.
۸. تاج العروس من جواهر القاموس؛ محمدمرتضی زبیدی؛ بیروت: دارالمکتبه الحیاء، [ابی تا].
۹. تاریخ الغیبه الصغری؛ محمدصدر؛ چ دوم؛ بیروت: دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۱۰. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)؛ جاسم حسین؛ ترجمه سیدمحمدتقی آیت اللهی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.
۱۱. تحریر الوسیله؛ امام خمینی؛ چ ششم؛ تهران: مکتبه اعتماد الکاظمینی، ۱۴۰۷ق.
۱۲. جواهر الکلام؛ محمدحسن بن محمدباقر نجفی (م ۱۲۶۶ق)؛ تصحیح عباس قوچانی و دیگران؛ نجف و قم و تهران: [ابی نا]، ۱۳۷۷ق به بعد.
۱۳. رجال نجاشی؛ ابوالعباس احمد بن علی اسدی نجاشی (م ۴۵۰ق)؛ قم: مکتبه الداوری، [ابی تا].
۱۴. رجال کشی؛ ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (متوفای اوایل قرن چهارم)؛ انتخاب و تلخیص شیخ طوسی با نام «اختیار معرفه الرجال» به تصحیح حسن مصطفوی؛ مشهد: [ابی نا]، ۱۳۴۸ش.

۱۵. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)؛ محمدرضا جباری؛ چ صدف؛ قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ش.
۱۷. فرق الشیعه؛ ابومحمد حسن بن موسی نوبختی (قرن سوم)؛ تصحیح محمدصادق آل بحر العلوم؛ نجف: مطبعة الحیدریه، ۱۹۳۶م.
۱۸. کافی؛ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ق) به تصحیح علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۱۹. کتاب الغیبه؛ ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی (قرن چهارم)؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: مکتبه الصدوق، [بی تا].
۲۰. کتاب الغیبه؛ ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی، م ۴۶۰ق)؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۱. لغت نامه؛ علی اکبر دهخدا؛ تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۲. معجم مقائیس اللغه؛ احمد بن فارس بن ذکریا؛ بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۱ق.
۲۳. مناقب آل ابیطالب؛ رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی (م ۵۸۸ق)؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۲۴. وسائل الشیعه؛ محمد بن حسن حرّعاملی (م ۱۱۰۴ق)؛ تصحیح عبدالرحیم ربّانی شیرازی و محمد رازی؛ تهران: ۱۳۷۶ بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
۲۵. وسیله النجاه؛ سید ابوالحسن اصفهانی؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۳۹۷ق.